

نی نی کوچولو

● فروزنده خداجو
● تصویرگر: ندا عظیمی

سلام! من این جا هستم، توی شکم مامانم!
حالا من ۲۲ هفته دارم. دیگر اندازه ی عدس، انجیر یا
گلابی نیستم. حالا یک نوزادم. یک نوزاد خیلی کوچک.
یعنی یک نی نی کوچولو.
من فقط ۴۵۰ گرم وزن دارم، اما خیلی چیزها بلدم. مثلاً
می توانم توی شکم مامانم حرکت کنم، صدای مامانم را
بشناسم یا حتی دستم را روی صورت خودم بکشم.
وای... روی صورتم یک عالمه موی نرم هست!
با این که پوستم قرمز و چروک است خیلی خوشحالم.
چون کم کم دارم خوشگل می شوم.
حتی پلک و ابرو هم دارم!
کاش زودتر بزرگ بشوم و به دنیا بیایم! آن وقت می توانم
مامان را ببینم و به او بگویم که چه قدر دوستش دارم.
بعضی شب ها وقتی مامان می خوابد، توی شکمش حرکت
می کنم. آن وقت مامان بیدار می شود.
دستش را روی شکمش می گذارد و با من حرف می زند. من
صدای او را خیلی دوست دارم.



حتماً وقتی به دنیا بیایم، مامان
هم صدای مرا دوست دارد.
به شرط این که زیاد جیغ نکشم
و بی خودی گریه نکنم!